

روز قیامت بر وی ما بود یا نه گفت یا عایشه در سه موضع کسی از کسی پروان بود
از هیبت آن موضع یکی بوقت سختی اعمال که به اعمال من کران آید یا سبک دیگر آنکه
نامها بر آن کرد سیرسد که نامه اعمال وی بدست راست آید یا بدست چپ دیگر وقت
کذا شق بر صراط که ناجو خواهد بود آنکه گفت یا عایشه بوقت گذشتن بر صراط بسیار
مردان بودند که بلغزد و در افتد خلافت را بوقت حساب حاضر کنند از هر چیزی و
بار حساب خواهند یکی گویند این مال از کجا کردی و یکی نفقه کردی بعضی نامه بد
راست بود و بعضی را بدست چپ بعضی حساب بودند و بعضی در عتاب بودند هیچ دانست که
خواجگان که شما از کجای آید و خواهید بود کوه را بنوازند و کوه را بکند از کجای آید
گویند ما از تو خوشتریم کوه را گویند ما از تو زیاریم بعضی را بر او بختی میرند
بعضی را کشتن کشتن بدوزخ می اندازند آنرا که در نامه طاعتها بود میگویند ای
اهل عرصات یا پسندید نامه من ببینید و بخوانید هاتم افر و اکا بیه و
آنرا که نامه بدست چپ هند فریاد میکنند که یا لیتنی لا اوت کتابیه یکی را
که نامه بدست وی هند گاهان خود ببیند فریاد آورد و نامه در سجده و
روی بدوزخ نقد فرمان آید که بجا میروی گوید خدا اگر نامه ایست که من اعمال
کرده ام راه ایست که من میروم با بعضی نامه خود را لطف بود و با بعضی

درشتی

درشتی ابوهریر رضی الله عنه میگوید آنکه لطف بود و برادر عرصات بدارند
و از چشم خلفان بپوشند ناگهی برانزینند آنکه نامه بود هند که بر خوان چون
طاعت خواند شادی روی پیدا کند فرمان آید که ای بند یا میدی آن طاعت را
گوید و ارم حق تعالی گوید این طاعت از تو بر فتم خدا را سجد کند یا نامه خواندن گیرد
و بکاهی رسد رنگ روی برگردد و دشمن ترسان شود و از خدا شرم دارد حق تعالی
گوید ای بند یا دی اوری که چه کرده گوید بلی یا رب حق تعالی میگوید آمرزیدم
هر طاعتی که می بیند سجد میکند حق تعالی میگوید بر فتم هر معصیت که ببیند ترسان
می شود حق گوید عفو کردم سجد کند خلائق آن سجد و می بیند نامه خواندن
وی نه بینند و گویند عزیز بنده ایست بنده حق تعالی با آنکه معصیت دارد
و بر بر سر خلق رسوا نکند زهی حسرت که نمی دانیم که با ما چه خواهند کرد عزیز
چون اول بیا ایمان دادی با آخر ایمان بر ما نگاه دار یا ارحم الراحمین

قوله تعالی والذين معه أشد على الكفار صبابة

بود آن یاران مصطفی صلی الله علیه و سلم در عهد امیر المؤمنین عمر خطاب رضی الله تعالی
عنه و بر این دستاد بعد از ده سال و بر باز خواند عادت عمر رضی الله عنه تعالی عنه
آن بود که باز خواند تا به بند که حال وی در حق تا بکبار رسیدن است و از کمال حال